

حقوق بشر، اقلیتها و قومیتها

در اعلامیه ها و کنوانسیونهای بین المللی

« حمید والائی »

یکی از کارهای با ارزش و تحقیقی که توسط دوست جوان و باعلاقه و دانشجوی رشته حقوق « حمید والائی » در قالب کارهای تحقیقاتی « آبتام » صورت گرفته است، مجموع حاضر است که بطور خلاصه و در عین حال مؤثر تهیه گشته است و می تواند برای بسیاری از دوستان و علاقمندان مفید باشد.

یکی از دلایل مهم و اساسی وجود تبعیض و ظلم در طول تاریخ همانا ناآگاهی صاحبان حقوق از حقوق خویش بوده است. اهمیت این شناخت در زمان حاضر به علت وجود سازمانها و نهادهای بین المللی صاحب اختیار بسیار بتر از گذشته می باشد. از این رو شناخت این سازمانها و حیطه اختیارات و وظایف آنها می تواند به ما در رسیدن به حقوق واقعی خویش به عنوان انسان صاحب اختیار کمک بسزائی نماید.

جا دارد از زحمات دوست عزیزمان در تهیه این جزوه تشکر و قدردانی نماییم.

مسئول مرکز تحقیقات مجمع دانشگاهیان آذربایجانی

(آبتام) - آیدین صادقی - ۱۳۸۱/۹/۲۳

تاریخچه مختصر:

از جمله کارهایی که نظام بین المللی برای حفظ حقوق اقلیتها (زبانی، نژادی، مذهبی) در کشورهای مختلف بعد از پایان جنگ سرد و ظهور ناسیونالیسم انجام داده است ایجاد معاهده های گوناگون بوده است. نخستین معاهده از این نوع که رژیم حمایتی از اقلیتها را برقرار کرده عبارت از معاهده های بود که بین دول متحد و لهستان در ۲۹ ژوئن ۱۹۱۹ در ورسای منعقد شد این قرارداد به عنوان یک نمونه برای ایجاد قراردادهای دیگر بود. بر طبق این معاهدات دولتهایی که در آنها اقلیتهایی وجود داشتند متعهد می شوند که نسبت به آنها تبعیض روا ندارند و حقوق ویژه ای را که برای حفظ تمامیت نژادی، مذهبی یا زبانی آنها لازم است، به آنها اعطا کنند از جمله به آنها اجازه استفاده از زبان خود، حفظ مرام و مذهب و انجام عبادات و مراسم مذهبی خود را بدهند.

برای تضمین اجرای این معاهدات در تمام آنها ماده ای شبیه به ماده ۱۲ معاهده لهستان گنجانده شده بود که به موجب آن تعهدات ناشی از این معاهدات، تعهد بین المللی محسوب می شد و جامعه ملل نیز ضمانت اجرای آن را بر عهده داشت.

متن ماده ۱۲ معاهده لهستان که در سایر معاهدات نیز مورد استفاده قرار میگرفت بدین شرح بود:

« لهستان موافقت می کند که تعهدات ناشی از مواد این معاهده را تا آنجا که مربوط به اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی است، تعهدات بین المللی محسوب و تحت تضمین جامعه ملل قرار دارد »

اما وقوع جنگ های جهانی اول و دوم جامعه بشری را وادار کرد که بطور گسترده و دائمی در راه دفاع از حقوق انسانها و رفع تبعیض گامهای مهم و اساسی بردارد.

۱- حقوق ذکر در اعلامیه جهانی حقوق بشر

این حقوق را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته‌ی اول به حقوق مدنی و سیاسی مربوط می‌شود: حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، نبود بردگی و شکنجه، برابری در مقابل قانون، در امان بودن از دستگیری و حبس یا تبعید خودسرانه، حق دادرسی منصفانه، حق مالکیت، حق مشارکت سیاسی، حق ازدواج، حق آزادیهای اساسی اندیشه، حق وجدان و دین، حق عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز، حق شرکت در اداره‌ی امور عمومی کشور بطور مستقیم یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند.

دسته‌ی دوم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به ویژه حقوق زیر را در بر می‌گیرد: حق کار؛ حق مزد مساوی در مقابل کار مساوی؛ حق ایجاد اتحادیه‌ها و پیوستن به آنها، حق سطح زندگی مناسب؛ حق آموزش و پرورش؛ حق مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی.

ماده‌ی نخست «اعلامیه»، سرشت عام و جهان‌گستر حقوق را با واژگان برابر بودن شایستگی تمام افراد بشر بیان می‌کند. در ماده‌ی دوم آمده است که هر کس می‌تواند بی‌هیچ تمایزی از تمام حقوق ذکر شده در اعلامیه بهره‌مند گردد. اصل اساسی و بنیادی حقوق ذکر شده در «اعلامیه» در دیباچه آن ذکر شده است که از همان آغاز «شایستگی ذاتی تمام اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان» را می‌پذیرد.

۲- پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

این پیمان، حقوق سیاسی و مدنی ذکر شده در اعلامیه‌ی جهانی را تشریح می‌کند: حق حیات، حق احترام به زندگی خصوصی، حق دادرسی منصفانه، حق آزادی بیان، حق آزادی دین، منع شکنجه و برابری در مقابل قانون.

بعضی از این حقوق هنگامی ممکن است به حالت تعلیق در آیند که «یک خطر عمومی و استثنائی حیات ملت را تهدید کند، البته مشروط بر این‌که تدابیر سرپیچی‌کننده از الزامات مقرر در این پیمان، با هیچ تبعیضی مبتنی بر نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین یا منشأ اجتماعی همراه نباشد». اگر دولتی بخواهد از این حق سرپیچی از الزامات استفاده کند، باید دبیر کل سازمان ملل متحد را بی‌درنگ باخبر سازد. متأسفانه در اغلب موارد اعلام وضعیت اضطراری، اوضاع مناسب برای تجاوزات و خیم به حقوق بشر را فراهم می‌آورد. البته این پیمان در هیچ اوضاع و احوالی، نه در دوران صلح و نه در دوران جنگ، نقض حقوق اساسی زیر را مجاز نمی‌شمرد:

حق زندگی، حق شخصیت حقوقی، منع شکنجه و بردگی، حق آزادی اندیشه، حق آزادی در اعتقاد و دین، منع زندانی کردن شخص صرفاً به علت ناتوانی در انجام الزامات ناشی از تعهد، منع مجازات شخصی به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان وقوع، جرم نبوده است.

۱- ۲ کمیته حقوق بشر

برای به اجرا درآمدن مقررات بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مسایلی پیش‌بینی شده است. از آن جمله ماده‌ی ۲۸ این پیمان ایجاد کمیته حقوق بشر را مقرر کرده است. این کمیته از ۱۸ کارشناس مستقل تشکیل شده که آنان را دولت‌های عضو همین پیمان نامزد کرده و برگزیده‌اند. اعضای کمیته حقوق بشر در جلسات بر اساس صلاحیت‌های شخصی خود و به عنوان افراد مستقل حضور می‌یابند. به عبارت دیگر آنان به نمایندگی از طرف کشورهای خودشان عمل نمی‌کنند. کمیته حقوق بشر اجرای این پیمان را به چندین شیوه پی‌گیری می‌کند:

در وهله نخست، کمیته گزارش‌های ادواری هر دولت عضو پیمان را درباره تدابیری که برای به اجرا درآوردن مقررات آن در پیش گرفته است، بررسی می‌کند (ماده ۴۱). هر دولتی باید چنین گزارشی را در ظرف یک سال پس از پیوستن به این پیمان و سپس در زمان‌هایی که کمیته معین می‌کند، تقدیم بدارد. گزارش‌ها در جلسات علنی و با حضور نماینده دولت مورد نظر بررسی می‌شوند و اعضای کمیته می‌توانند از او پرسش‌هایی به عمل آورند. پس از به پایان رسیدن بررسی گزارش هر یک از دولت‌های عضو، کمیته ملاحظات نهایی خود را منتشر می‌سازد که مهمترین نکات موضوع بحث و نیز پیشنهادها و توصیه‌های مربوط به راه‌های اجرای بهتر پیمان به دولت مورد نظر را در بر می‌گیرند.

در وهله‌ی دوم کمیته می‌تواند شکایت هر دولت عضو را از یک دولت عضو دیگر بررسی کند، مشروط بر اینکه هر دو دولت در اعلامیه ویژه‌ای، صلاحیت کمیته را در این مورد پذیرفته باشند (ماده ۴۱). البته تاکنون هیچ شکایتی از این نوع دریافت نشده است.

و سرانجام کمیته محتوا و معنای ماده‌های خاص این پیمان را در « ملاحظات عام » خود بررسی می‌کند. مجموع این ملاحظات عام در حکم رویه‌های قضایی پیمان هستند و در نتیجه می‌توانند دولت‌های عضو را در اجرای تعهداتی که به موجب این پیمان بر عهده گرفته‌اند و نیز در تدوین گزارش‌های‌شان راهنمایی کنند.

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را از رهگذر شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌کند.

۳- اصول عدم تبعیض

اصل اساسی عدم تبعیض در ماده‌ی ۱ منشور ملل متحد آمده و در منشور بین‌المللی حقوق بشر و تمام اسناد مهم دیگر مربوط به حقوق بشر نیز تکرار شده است. از دو سند خاصی که به این اصل می‌پردازند، یکی به تبعیض نژادی مربوط می‌شود و دیگری به تبعیض بر ضد زنان.

۳-۱ معاهده رفع تبعیض نژادی

معاهده بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در سال ۱۹۶۹ به اجرا گذاشته شده و تاکنون به امضای تقریباً ۱۵۰ دولت رسیده است. این معاهده در واقع کامل‌ترین بیانیه‌ی ملل متحد در مورد تبعیض مبتنی بر « نژاد، رنگ، نسب، منشأ ملی یا قومی » است. دولت‌های عضو این معاهده متعهد می‌شوند که سیاستی را دنبال کنند که هدفش از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و حمایت از گروه‌های قومی آسیب‌پذیر است تا بدین ترتیب اجرای کامل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط مساوی برای آنان تضمین شود.

افراد می‌توانند در مورد تجاوز به معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی به کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی شکایت کنند:

ماده‌ی ۱۴ معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی کمیته را صالح می‌داند که شکایت‌های افراد یا گروه‌هایی از افراد را بر ضد دولتی بررسی کند که حق دادخواهی فردی را به رسمیت شناخته است. این بررسی محرمانه صورت می‌گیرد. چنین رویه‌ای از دسامبر ۱۹۸۲ به اجرا در آمده است. بیش از ۲۰ دولت این حق را به رسمیت شناخته‌اند و کمیته چندین شکایت را بررسی کرده، به نتایجی رسیده و نظریات خود را درباره‌ی آن منتشر کرده است.

۳-۲ اسناد مهم دیگر در خصوص عدم تبعیض

یکی از اسناد بسیار مهم در این زمینه اعلامیه‌ی یونسکو درباره‌ی نژاد و پیش‌داوری‌های نژادی است که در کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۸۷ با ابراز احساسات شدید به تصویب رسیده است. همچنین باید از قطعنامه‌ی اجرائی این اعلامیه نام برد که در آن دولت‌های عضو دعوت شده‌اند که به میانجی‌گری مدیرکل یونسکو، اقداماتی را که برای اجرای اصول این اعلامیه انجام داده‌اند، به اطلاع کنفرانس عمومی برسانند. سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی نیز دعوت شده‌اند که در راه تحقق کامل و همه‌جانبه‌ی اصول مندرج در این اعلامیه یاری و همکاری کنند.

۴- حمایت از حقوق اقلیت‌ها

۴-۱ اعلامیه حقوق اشخاص

کاملترین سندی که منحصراً به حقوق اقلیت‌ها می‌پردازد، اعلامیه‌ی حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی است که در ۱۹۹۲ در مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آرا به تصویب رسیده است. در دیباچه‌ی این اعلامیه آمده است که ترویج و تحقق حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها « بخش جدائی‌ناپذیر تحول جامعه ... در یک چارچوب دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون است ... ».

در ماده‌ی اول اعلامیه از دولت‌های عضو خواسته شده که هویت اقلیت‌ها را شناسایی و تقویت کنند. مجمع عمومی نیز دولت‌ها را دعوت کرده که « برای ترویج و عملی ساختن شایسته و بایسته‌ی اصول این اعلامیه، تمام تدابیر ضروری را به ویژه در عرصه‌ی قانون‌گذاری در پیش گیرند ... ».

۴-۲ بعضی از اسناد حقوق بشر مربوط به حقوق اقلیت‌ها

ماده‌ی ۲۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۳۰ معاهده‌ی حقوق کودک هر دو اشاره می‌کنند که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها (و نه گروه‌های اقلیت) نباید از حق داشتن زندگی فرهنگی خاص خود، عمل به دین یا کاربرد زبان خودشان محروم شوند. کمیته حقوق بشر، نهاد مسئول نظارت بر اجرای پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به موجب مقاله‌نامه اختیاری مربوط به همین پیمان، شکایت‌های افرادی را دریافت داشته که مدعی بودند قربانی نقض ماده‌ی ۲۷ شده‌اند. معاهده پیکار با تبعیض آموزشی که در ۱۹۶۰ به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسیده است از حق اقلیت‌های ملی برای انجام دادن فعالیتهای آموزشی مطلوب خودشان حمایت ویژه به عمل می‌آورد (ماده ۵) و هرگونه تبعیضی را نسبت به هر گروهی از اشخاص ممنوع می‌کند (ماده‌ی اول).

۴-۳ ضرورت و فوریت در مسأله‌ی اقلیت‌ها در سالهای اخیر

در پایان دهه ۸۰ و اوایل ۹۰، مسأله‌ی حقوق اقلیت‌ها به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی بدل شده‌است در این سال در واقع شاهد ستیزه‌های درونی بسیار خشونت آمیزی بوده‌ایم که گسترش آن‌ها با درد و رنج‌های انسانی توصیف‌ناپذیر، آواره‌گی انبوه انسانها و اختلال وخیم در حیات اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است. به درگیری‌های به ظاهر حل‌ناپذیری که آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را به آشوب کشانیده‌اند، درگیری‌های جدیدی افزوده شده که زاده‌ی فروپاشی اتحاد شوروی (سابق) و تجزیه‌ی یوگوسلاوی (سابق) هستند. در مورد یوگوسلاوی حتی شاهد گسترش اقدام نفرت‌انگیز و جنایت‌کارانه «پاکسازی قومی» بوده‌ایم. بسیاری از این درگیریها از نارضایتی اقلیت‌ها سرچشمه می‌گیرند که زاده‌ی اعتراض‌ها و تبعیضی است که دیرزمانی نادیده گرفته شده‌اند. مطالبات هویت‌جویانه که غالباً بازپچه‌ی منافع سیاسی می‌شوند در قالب خواست خودمختاری بیان می‌گردند. وقتی که این خواست نادیده گرفته می‌شود و هیچ ساخت‌کاری هم برای حل بحران پیش‌بینی نشده است، به دشواری می‌توان از درگیری خشونت‌آمیز، یا حتی جنگ داخلی پرهیز کرد.

در دستور کار برای صلح، پطرس‌غالی دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، خاطر نشان می‌کند که به رغم همکاری فزاینده دولتها در چارچوب اتحادهای منطقه‌ای و قاره‌ای «ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی در این جا و آن جا با شدتی تازه پدیدار می‌شوند و مبارزات خشونت‌آمیز قومی، دینی، اجتماعی، فرهنگی یا زبانی، وحدت و یکپارچگی دولتها را به مخاطره می‌افکنند... او همچنین تأکید می‌ورزد که «یکی از شرایط ضروری برای حل این مسائل، رعایت حقوق بشر و به‌ویژه حقوق اقلیت‌ها - اعم از اقلیت‌های قومی یا دینی، اجتماعی یا زبانی - است».

برای حل این مسائل رویه‌های منطقه‌ای وجود دارند:

کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE) برای پیش‌گیری از ستیزه‌ها در دسامبر ۱۹۹۲ کمسیرعالی اقلیت‌های ملی را تعیین کرده که وظیفه دارد هنگامی که مسائل اقلیت‌های ملی تنش‌انگیز می‌شوند، با بهره‌گیری از نظام اخطار سریع، انجام دادن اقدامات لازم را بی‌درنگ امکان‌پذیر می‌سازد. این کمسیرعالی می‌تواند آزادانه به سرزمین هر یک از دولت‌های عضو برود و اطلاعات لازم را از تمام منابع، به‌ویژه از سازمان‌های غیرحکومتی، مستقیماً دریافت کند. امید می‌رود که حضور بی‌طرفانه این کمسیر، راه مباحثه و گفت‌وگو میان طرف‌های درگیر را هموار سازد و به حل اختلافات یاری رساند.

۴-۴ تدابیر پیش‌بینی شده برای حفظ حقوق افراد بومی

تعداد افراد بومی دست‌کم به ۳۰۰ میلیون نفر می‌رسد که تقریباً در هفتاد کشور و در تمام مناطق دنیا پراکنده شده‌اند. مهم‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت از حقوق آن‌ها، معاهده‌ی شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار درباره‌ی افراد بومی و قبایل در کشورهای مستقل است که در ژوئن ۱۹۸۹ به تصویب رسیده و در ۱۹۹۱ به اجرا گذاشته شده است. در این معاهده تأکید شده که هیچ دولت یا گروه اجتماعی حق ندارد هویت افراد بومی را انکار کند و دولت‌ها مسئولیت دارند که یا مشارکت خود این افراد، رعایت حقوق و هویت آنها را تضمین کنند.

گروه کار ملل متحد در مورد افراد بومی که در ۱۹۸۲ ایجاد شده، کانون فعالیت‌های مربوط به حقوق این افراد در درون سازمان ملل متحد است. این گروه علاوه بر بررسی سیاست‌های حکومت‌ها و ارائه توصیه‌هایی به کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و بیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز، هر ساله فرصتی فراهم می‌آورد که با استفاده از آن، ۵۰۰ تا ۶۰۰ نماینده از افراد بومی می‌توانند با نمایندگان حکومت‌ها، سازمان‌های غیرحکومتی و نهادهای ملل متحد به تبادل نظرهای آزاد و دموکراتیک بپردازند.

پیش‌نویس اعلامیه حقوق افراد بومی که از جمله حق خودمختاری، حق اداره سرزمین‌ها و منابع و بویژه حق سخن گفتن به زبان خودشان را در بر می‌گیرد، در سال ۱۹۹۴ به تصویب کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و بیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز رسیده است. این پیش‌نویس را باید یک گروه کاری به اجرا در آورد که تعداد اعضایش محدودیتی ندارد و کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۹۵ آن را ایجاد کرده است (قطع‌نامه شماره ۱۹۹۵/۳۲ مورخ ۳ مارس ۱۹۹۵). امکان تدوین پیش‌نویس اصول راهنمای حفظ حقوق فرهنگی و معنوی افراد بومی نیز در دست مطالعه است. افراد بومی هنوز هم از گروه‌هایی هستند که در تمام کشورها از بیشترین تبعیض‌ها رنج می‌برند. آنها نه فقط از لحاظ مسکن، بهداشت، امکانات آموزشی و اشتغال در غایت محرومیت به سر می‌برند، بلکه رفته رفته زمین‌ها و منابع خود را نیز که برای بقای‌شان ضرورت حیاتی دارند، از دست می‌دهند. در بعضی از کشورها افراد بومی قربانی دیگر تجاوزات وخیم به حقوق بشر مانند ناپدید شدن‌ها و اعدام‌های خودسرانه هستند. برای اصلاح این وضعیت، مجمع عمومی ملل متحد دهه بین‌المللی افراد بومی را اعلام کرده که از ۱۰ دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شده است. هدف این دهه تقویت همکاری بین‌المللی برای حل مسائل آزار دهنده این افراد است. روز بین‌المللی افراد بومی هر سال در نهم اوت جشن گرفته می‌شود.

۵- شکایت قربانیان نقض حقوق بشر به سازمان ملل متحد

شمار افراد یا سازمان‌هایی که از نقض حقوق بشر به سازمان ملل متحد شکایت کرده‌اند به صدها هزار بالغ می‌شود. پس از ایجاد نهادی ویژه برای این کار تعداد شکایت‌ها افزایش یافته و به عنوان مثال فقط در سال ۱۹۹۳ به حدود ۲۸۰۰۰۰ رسیده است. برای پیگیری این شکایت‌ها که همیشه هم به موارد فردی مربوط نمی‌شوند رویه‌های متعددی در پیش گرفته شده است.

۶- حمایت شورای اروپا از حقوق اقلیت‌ها

معاهده پایه‌ای حمایت از اقلیت‌های ملی که در نوامبر ۱۹۹۴ به تصویب رسیده، نخستین سند حقوقی الزام‌آور و چندجانبه‌ای است که تاکنون به حمایت از اقلیت‌های بومی اختصاص یافته است. این معاهده که از فوریه ۱۹۹۵ به امضا گذاشته شده، عرصه‌های تازه‌ای را مانند حق آزادی زبان و آموزش و پرورش و حق مشارکت در زندگی عمومی می‌گشاید. در منشور اروپایی زبانهای منطقه ای یا اقلیتی که در ژوئن ۱۹۲۲ به تصویب رسیده، پیشنهادهای آموزشی، اداری و قضایی آمده است. اندیشه محوری این پیشنهادها آن است که حق کاربرد زبانهای اقلیت در زندگی خصوصی و عمومی حقی سلب‌ناپذیر است.

۷- سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی، ملل متحد (یونسکو)

حوزه صلاحیت یونسکو حقوق مربوط به آموزش و پرورش، علم (از جمله علوم اجتماعی)، فرهنگ و ارتباطات و نیز آزادی عقیده و بیان و آزادی مطبوعات را در بر می‌گیرد.

یونسکو برای حفظ اموال فرهنگی نیز به فعالیتهای گسترده‌ای دست زده است، زیرا این عرصه پیوندی تنگاتنگ با عرصه حقوق فرهنگی دارد. در این مورد باید به سه معاهده یونسکو اشاره کنیم: ۱- معاهده حمایت از اموال فرهنگی در موقع درگیری مسلحانه (« معاهده لاهه ») همراه با مقررات اجرایی این معاهده، مقاله‌نامه مربوط به آن و قطعنامه‌های کنفرانس (۱۹۵۴). ۲- معاهده راههای منع و جلوگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی (۱۹۷۰). ۳- معاهده حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر و معنای بعضی از مواد آن:

ماده ۱- تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای حق و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ای برادرانه رفتار کنند

ماده ۲- هر کس می‌تواند بی‌هیچ‌گونه تمایزی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادیهای ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضائی یا بین‌المللی کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

تعریف تبعیض نژادی

هر نوع تمایز، طرح، محدودیت یا رجحانی که بر پایه نژاد، رنگ، نسب یا منشأ ملی یا قومی مبتنی است و هدف یا نتیجه آن، از بین بردن یا به خطر انداختن شناسایی و اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی یا بهره‌مندی از آنها با شرایط برابر، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا در هر عرصه‌ی دیگری از حیات عمومی است « ماده اول ».

ماده ۷- همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.

ماده ۸- در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر شخصی حق مراجعه مؤثر به دادگاههای ملی صالح را دارد.

ماده ۱۸- هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادتها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی، به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.

ماده ۱۹- هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

نکته: یونسکو در ۱۹۸۹، راهبرد جدید اطلاع‌رسانی را برای « تشویق گردش آزاد اخبار در سطح بین‌المللی و ملی و پخش گسترده‌تر و متوازن‌تر اطلاعات و اخبار، بی‌هیچ‌گونه محدودیتی برای آزادی بیان » تصویب کرده است.

ماده ۲۰ - الف) هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمنهای مسالمت‌آمیز بهره‌مند گردد.

ب) هیچ‌کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

نکته: آزادی تشکیل مجامع و انجمن‌ها یگانه وسیله‌ای است که اشخاص به یاری آن می‌توانند هدف‌هایشان را به صورت جمعی بیان کنند، به‌عنوان گروه، برای تأمین خواسته‌هایشان فشار بیاورند، و از منابع خود یا دیگران دفاع کنند. حکومتها لازم نکرده که برای حمایت از این آزادی به عمل مثبتی دست بزنند، در واقع برعکس آنرا معمولاً محدود می‌سازند. اگر هم در موارد معینی برای محدود ساختن این آزادی علل موجهی وجود داشته باشد، چنین اقداماتی غالباً برای اهداف سرکوب‌گرانه صورت می‌گیرند. می‌توان در سرتاسر دنیا مشاهده کرد که دولتها در موارد متعددی به نقض این آزادی می‌پردازند.

ماده ۲۲- هر شخصی به‌عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منافع هر کشور، به دست آورد.

ماده ۲۷ - الف) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد، از هنرها و بویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره‌مند شود.

ب) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.

نکته: حقوق فرهنگی از جمله حق دستیابی هر کس به فرهنگ خاص خود و نیز به میراث فرهنگی دیگران را شامل می‌شود. مشارکت جنبه مهمی از حق فرهنگ است که ارکان فرهنگ مردمی مانند: نمایش، موسیقی، رقص سنتی یا کارناوال را در بر می‌گیرد. حق فرهنگ، حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و فنی را شامل می‌شود و در معنای گسترده، حق آموزش و پرورش را نیز در بر می‌گیرد. شایان ذکر است که حقوق فرهنگی هنوز به‌خوبی سایر بخش‌های حقوق بشر تدوین نگشته‌اند و غالباً بخش «**توسعه نیافته**» حقوق بشر نامیده می‌شوند.

منشور حقوق بشر:

عبارت است از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های الحاقی آن.

اعلامیه حقوق کودک

در سال ۱۹۵۹، اعلامیه حقوق کودک تصویب شد و در سال ۱۹۸۹ (۲۰ نوامبر) به‌اتفاق آرا از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت.

بند ۱ ماده ۲

« دولت‌های عضو کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون برای کودک پیش‌بینی شده، بدون هیچ نوع تبعیض در مورد کودکان و بدون ملاحظه نژاد، جنس، رنگ، مذهب، عقیده سیاسی، ریشه ملی، قومی، اجتماعی، دارایی، ناتوانی، تولد یا دیگر وضعیت‌های خود کودک یا والدین یا سرپرستان قانونی او، محترم شمرده و تضمین خواهند نمود.»

ماده ۲۹

« احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسانها، احترام به والدین و هویت فرهنگی و ارزشهای ملی، آمادگی برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد، روحیه تفاهم، صلح، بردباری و تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی باید جزء برنامه آموزش و پرورش کودکان باشد.»

ماده ۳۰

« کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی، بومی و مذهبی، باید حق برخورداری از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب و زبان خود را داشته باشند.»

علاوه بر این حق آزادی فکر، عقیده و مذهب، حق آزادی تشکیل و شرکت در مجامع مسالمت‌آمیز، و ممنوعیت دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات کودک در مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ به‌رسمیت شناخته شده است.

منابع:

- ۱- حقوق بشر - نوشته لیا لوین، ترجمه جعفر پوینده
- ۲- نظام بین‌المللی حقوق بشر - تألیف دکتر حسین مهر، انتشارات اطلاعات